

## دانشگاه تمدن ساز اسلامی؛ چالش‌ها و راهکارها

mjavan2004@yahoo.com

fazlollahigh@qom-iau.ac.ir

mabolghasemi60@gmail.com

مرجان جوانبخش / گروه مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

سیف‌الله فضل‌الهی قمشی / استادیار و دکتری تخصصی برنامه‌ریزی درسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

محمود ابوالقاسمی / دانشیار گروه مدیریت آموزشی دانشگاه شهید بهشتی

پذیرش: ۹۹/۰۲/۰۷

دریافت: ۹۸/۱۱/۳۰

### چکیده

هدف بررسی چالش‌های پیش‌رو و راه‌کارهای تحقق دانشگاه اسلامی به‌عنوان دانشگاه تمدن‌ساز اسلامی است. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و اسنادی براساس دیدگاه‌ها و نقطه‌نظرات اندیشمندان حوزه آموزش عالی، دانشگاه اسلامی و تمدن‌سازی است. نتایج نشان داد: دانشگاه‌ها امروز به‌عنوان ستون‌های نگه‌دارنده تمدن‌ها تلقی می‌شوند، آنها مستقیم و غیرمستقیم بر کلیه مسائل جامعه تأثیر دارند و دانشگاه محل اثبات علم برای تمدن‌سازی است. برای رسیدن به دانشگاه تمدن‌ساز اسلامی راه‌برون‌رفت از چالش‌های موجود، رسیدن به فهمی مشترک در خصوص دانشگاه تمدن‌ساز اسلامی است و بهترین مسیر رسیدن به دانشگاه تمدن‌ساز اسلامی، بالا بردن آگاهی‌های قرآنی و معرفتی برای تمامی دست‌اندرکاران حوزه دانشگاه‌هاست. برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری، تدوین استراتژی مناسب و تدارک زیرساخت‌های لازم در یک فرایند طولی مستمر، زمان‌بندی‌شده، واقعی، مستقل، غیرشعاری، خدامحور، با رویکردی آینده‌نگر و داشتن آموزش‌های کاربردی برای ارتقای شناخت رهبران و مدیران آموزش عالی از لوازم تحقق دانشگاه تمدن‌ساز اسلامی است.

کلیدواژه‌ها: دانشگاه، دانشگاه اسلامی، دانشگاه تمدن‌ساز، دانشگاه تمدن‌ساز اسلامی.

## مقدمه

درخشان اندیشمندان مسلمان ایرانی در تمدن ایرانی - اسلامی، ناظر بر دستیابی به مفهومی روشن با شاخص‌هایی عینی در این خصوص است (ذوالفقارزاده و سعدآبادی، ۱۳۹۲، ص ۸). قرآن مجید در بررسی تاریخ گذشته و تمدن‌های پیشین از واژه‌های قریه و سنت و عبرت استفاده کرده و چشم اندازی روشن از سرنوشت پیشینیان را تبیین کرده و در کنار آن به نقش دانش و دانایی پرداخته است. دانش و دانایی که هر دو متکی به دین و ایمان مذهبی تحقق می‌یابند، دو بال تحقق تمدن محسوب می‌شوند (مهاجرانی، ۱۳۷۵، ص ۵).

اصولاً در نظام فرهنگی اسلام، دین عنصری در کنار سایر عناصر نیست؛ بلکه محور و اساس فرهنگ اسلامی است و تجلی آن در تمامی مظاهر فرهنگی از معماری تا ادبیات و از پزشکی تا آداب و رسوم، قابل مشاهده است. تمدن اسلامی در کلام و اندیشه امام خمینی<sup>ع</sup> را این گونه می‌توان خلاصه و بیان کرد، که تمدن اسلامی عبارت است از: تمدن اصیل و پویایی که منبعث از متن اسلام ناب و آموزه‌های مبتنی بر فطرت و غایت زیست بشری بوده و علی‌رغم تأیید و توجه وافر بر وجوه عینی و مظاهر و تجلیات مادی تمدنی، محور و ستون فقرات آن بر جهت‌دهی توحیدی و معنوی این تجلیات مادی، و اصالت و اولویت مؤلفه‌های معنوی بر وجوه مادی تمدن قرار گرفته که هدفی جز سعادت حقیقی بشریت در سایه بهسازی این‌جهانی و دگرجهانی او ندارد (فوزی و صنم‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۱۰).

برخی نیز عناصر تمدن‌سازی اسلام را موارد زیر می‌دانند: عقل‌گرایی، جهان‌گرایی، عدالت‌گرایی، علم‌گرایی، جامع‌گرایی، آسان‌گیری و اخلاق‌گرایی (وحیدی‌منش، ۱۳۸۶، ص ۱۶). اینکه چگونه می‌توان دانشگاه اسلامی را به دانشگاه تمدن‌ساز اسلامی تبدیل کرد، ضرورت‌هایی را می‌طلبد و چالش‌هایی پیش‌رو دارد. این مقاله کوشیده است پس از تبیین مفاهیم دانشگاه اسلامی و دانشگاه تمدن‌ساز، به سؤالات زیر پاسخ دهد:

- ضرورت داشتن دانشگاه تمدن‌ساز اسلامی چیست؟

- چالش‌های تبدیل دانشگاه اسلامی به دانشگاه تمدن‌ساز اسلامی کدام‌اند؟

- راه‌کارهای لازم جهت تبدیل دانشگاه اسلامی به دانشگاه

تمدن‌ساز اسلامی کدام‌اند؟

«المؤمنون هم الذين عرفوا ما امامهم» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه ۱۱۳)؛ مؤمنان کسانی هستند که آینده خویش را می‌شناسند. دانشگاه نهادی است که نقش مهمی را در کل نظام آموزش و پرورش هر جامعه ایفا می‌کند. در پی پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بحث اسلامی‌شدن دانشگاه‌ها و نظام آموزشی به‌طور جدی از طرف امام خمینی<sup>ع</sup> مطرح و با جدیت پیگیری شد. تعطیلی دانشگاه‌ها و تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی، جهاد دانشگاهی و نهاد نمایندگی در دانشگاه‌ها حاصل چنین توجهی بوده است (صفایی‌مقدم، ۱۳۷۶، ص ۳۳). نکته مهم در بازتعریف کارکردهای دانشگاه مبتنی بر آرمان‌های اسلامی، توجه به عنصر بااهمیت زمان و اقتضائات زمانی و مکانی حال و پیشروی جامعه اسلامی است. از آنجا که شاخص‌های جامعه متمدن اسلامی، فرزاندگی در بعد معرفت و شناخت حقیقت هستی، فرزاندگی در بعد ایمان و فلسفه زندگی، فرزاندگی در بعد ارزش‌ها و منش‌های اخلاقی و فرهنگی، فرزاندگی در قلمرو مناسبات اجتماعی و فرزاندگی در اقتدار ظاهری و تمکن مادی است (سعیدی‌روشن، ۱۳۹۳، ص ۸۰)؛ بنابراین دانشگاه اسلامی دانشگاهی است که هدفش، اسلامی و دینی باشد و ارکان آن را نیروهای مؤمن و متعهد تشکیل دهند و ارزش‌ها نیز در آن در اولویت باشند (فضل‌الهی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۳)؛ مسلماً با غایت و نهایی که برای خود ترسیم کرده، اگر با اهداف تعیین‌شده همراه باشد به موفقیت خواهد رسید و دانشگاهی تمدن‌ساز خواهد شد. واضح است که برای ساختن تمدن، وجود اندیشه تمدن‌ساز ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌باشد (وحیدی‌منش، ۱۳۸۶، ص ۱۵). یکی از اهداف و کارکردهای دانشگاه‌ها تمدن‌سازی است (خشوعی، ۱۳۹۳، ص ۳۶) و منظور از تمدن همان تمدن اسلامی است که براساس دیدگاه مقام معظم رهبری تمدن مذکور به ترتیب بر پایه دین، عقلانیت، علم و اخلاق قرار دارد (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۶/۲۶). اسلام اصیل به لحاظ برخورداری از توانمندی‌های بالا، می‌تواند تمدنی متناسب با نیازهای انسان معاصر بیافریند؛ چنان که در گذشته این توانایی را از خود نشان داده است (وحیدی‌منش، ۱۳۸۶، ص ۱۵). دانشگاه تمدن‌ساز اسلامی، از رهگذر دو منظر آرمانی و واقع‌گرا قابل پیگیری است. منظر آرمانی با نگاه توأمان به تمدن پیش‌رو ایران و نیز آموزه‌های تمدنی اسلامی، بر حرکت به سمت یک قله آرمانی و دست‌یافتنی دلالت دارد و منظر واقع‌گرا، با تکیه بر پیشینه

## ۱. مفهوم دانشگاه

نواندیش در دانشگاه و ارتباط آن با حوزه های مختلف اندیشه، علم و فناوری است (فرجی ارمکی، ۱۳۸۶، ص ۶۸). دانشگاه مهم‌ترین و اساسی‌ترین مکانی است که قادر است روحیهٔ خلاقیت، ابتکار، خودباوری و اعتماد به نفس را در نسل جوان شکوفا سازد. دانشگاه‌ها از گران‌بهاترین ذخایری هستند که جامعه برای پیشرفت و توسعه در اختیار دارد (میرزامحمدی و صحبت‌لو، ۱۳۸۶، ص ۶). در واقع در این سازمان‌ها به ارباب رجوعی خدمت می‌شود که خود، محصول این نظام است. وجود تخصص بالا و نیازهای مختلف، پیچیدگی ماهیت و مدیریت آنها را دوجندان می‌کند. تحولات محیطی نیز آسیب‌پذیری دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی را افزایش داده است (باتوم، ۲۰۱۰، ص ۴). آلبرت و وتون (۱۹۸۵) معتقدند که دانشگاه‌ها باید برای خود هویت دوگانه‌ای را قائل شوند: هویتی هنجاری (تکلیفی و قاعده‌گرا) که همان تصویر سنتی و ایدئولوژیک آن است و هویتی سودمندگرا که تصویر اثربخش بودن نسبت به هزینه را مدنظر دارد و در آن، دانشگاه به نهادی همانند کسب و کار [های خدماتی دیگر] می‌ماند (کازولیس و همکاران ۲۰۰۱).

دانشگاه‌ها نقش‌های زیر را دارند: ۱. نقش مهمی در هدف اجتماعی کلی برای دستیابی به برابری بیشتر فرصت‌ها ایفا می‌کند؛ ۲. ارائه آموزش و پرورش متناسب با تنوع زیادی از مهارت‌های فردی، انگیزه، انتظارات و آرمان‌های شغلی؛ ۳. تسهیل فرایند یادگیری مادام‌العمر؛ ۴. در حل مشکلات عمده‌ای که جامعه محلی و جامعه را دربر می‌گیرند سهیم هستند و مستقیماً در روند تغییر اجتماعی مشارکت می‌کنند (جانگ بلود، ۲۰۰۸، ص ۳۰۶). دانشگاه‌ها مسئولیت بزرگی برای رسیدگی به مسائل حیاتی مانند فرهنگ، اقتصاد و توسعه اجتماعی دارند. این نقش مهم دانشگاه تحت تأثیر مسائل اجتماعی و سیاسی قرار دارد. این باعث شده که تغییرات بسیاری در نحوه کار مردم و نظام آموزشی و یادگیری عمل به وجود آید (لوپز، ۲۰۱۵، ص ۲۵۱). رشد و توسعه هر جامعه برآیندی از وضعیت توسعه‌یافتگی نهاد علم و آموزش عالی آن کشور است؛ چراکه در فرایند توسعه‌یافتگی، علم اساسی‌ترین نقش را ایفا می‌کند و در قالب تجربه، در عرصه مدیریت تبلور می‌یابد (فراسخواه، ۱۳۸۸، ص ۴).

## ۲. مأموریت و کارکردهای دانشگاه

امروزه تعاریف و کارکردهای متعددی برای دانشگاه از سوی صاحب نظران مطرح است؛ کارکردهایی همچون تولید دانش (پژوهش)،

نخستین مؤسسه دانشگاهی و تعلیم عالی به شیوه نوین در ایران دارالفنون بوده است که ۲۰ سال قبل از دارالفنون توکیو و سه سال پیش از دارالفنون استانبول تأسیس گردیده است. تأسیس دارالفنون منشأ تحولات کاری آموزشی و علمی مهمی گردید و این امر سبب شد تا سرانجام در سال ۱۲۷۲ قمری وزارتخانه‌ای به نام علوم تأسیس گردیده که عهده دار اداره آموزش و پرورش کشور از سطح ابتدایی تا عالی بود وزیر آن / *اعتضاد السلطنه پسر فتحعلی شاه* بود که مدتی نیز ریاست دارالفنون را بر عهده داشت و ۲۲ سال در مقام وزارت باقی ماند (قورچیان و خورشیدی، ۱۳۷۹، ص ۳۰). بعدها در سال ۱۳۱۳ سنگ‌بنای دانشگاه تهران بر زمین زده شد و با افتتاح این دانشگاه، آموزش عالی در کشور پایه‌ریزی شد. سپس دوران توسعه دانشگاه‌ها به‌ویژه از سال ۱۳۲۶ هجری شمسی (آغاز تأسیس دانشگاه‌های شهرستان‌ها) به بعد فرا رسید (بازرگان دیلمقان، ۱۳۵۴، ص ۱۶). دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران با همان برنامه‌های آموزشی و درسی قبل از انقلاب فقط با تغییر در سطوح مختلف شروع به کار کردند که در سال ۱۳۵۹ به دلایل مختلف ارزشی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، انقلاب فرهنگی شروع شد و با فرمان امام خمینی ره ستاد انقلاب فرهنگی در تاریخ ۵۹/۳/۲۳ تشکیل گردید. این نهاد رسالت امر برنامه‌ریزی رشته‌های مختلف و خط‌مشی فرهنگی آینده دانشگاه‌ها را براساس فرهنگ اسلامی به‌صورت متمرکز عهده‌دار شدند (قورچیان و خورشیدی، ۱۳۷۹، ص ۳۴).

دانشگاه در *لغت‌نامه دهخدا* به معنای ۱. جای دانش، محل تعلیم و تعلم دانش؛ ۲. مؤسسه علمی وسیع شامل چند دانشکده و مؤسسه می‌باشد. در کل انبوهی از تعاریف را مشاهده می‌کنیم که ممکن است باهم تعارض داشته باشند. دانشگاه محل آموزش است؟ محل پژوهش است؟ محل انتقال اطلاعات است؟ دانشگاه محل فضیلت‌جویی و حقیقت‌جویی است؟ دانشگاه محل یادگیری است؟ و از این قبیل سؤالات. دانشگاه جامع در حوزه‌های گوناگون علمی فعالیت کرده و آموزش و پژوهش می‌کند (ثمیری، ۱۳۹۴، ص ۳۸). دانشگاه در تمام دنیا، خاستگاه اندیشه‌ها و طرح‌های نو است. دانشگاه پویا و فعال و شاداب، ابزارها و اندیشه‌های ترقی‌آفرین را خلق می‌کند و می‌تواند در رشد فرهنگ، اجتماع و اقتصاد مؤثر باشد، لازمه ایفای نقش از سوی دانشگاه‌ها حضور شخصیت‌های

موارد زیر را جزو کارکردهای اصلی دانشگاه می‌داند: ارزش‌دهی به یادگیری مادام‌العمر، پیگیری، صیانت و انتقال دانش، توانمندسازی افراد برای کسب استقلال و شکوفایی فردی، آماده‌سازی و شکل‌دهی مهارت‌های موردنیاز بازار کار، نسبت به علوم و تحقیقات در عرصه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی، مشارکت در تحقق جامعه مدنی و مردم‌سالار و کمک به ارتقای جایگاه بین‌المللی کشور. *تایشلر* (۲۰۰۶) همچنین معتقد است، عملکرد پژوهشی آموزش عالی می‌تواند شاخصی برای بخش‌های معتبرتر آموزش عالی باشد، ولی واقعیت این است که این عملکرد در مقابل عملکرد آموزشی آموزش عالی کهن‌رنگ‌تر است و یا نوعی کمتر موردتوجه است (ثمری، ۱۳۹۴، ص ۳۸).

### ۳. دانشگاه اسلامی

در گفتمان رهبری دانشگاه اسلامی، دانشگاهی است که «علم از درون مبانی فکری و اعتقادی خود ما بجوشد و ما دست‌گذاری به سمت دشمن دراز نکنیم» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳). مقام معظم رهبری در مورد روش حاکم بر دانشگاه نیز می‌فرماید: البته آنچه مهم است روش حاکم بر دانشگاه است که روش باید صددرصد اسلامی باشد. مادامی که دانشگاه متخصصان مسلمان و متعهد نباشد، مطلوب انقلاب نخواهد بود؛ و این ممکن نیست، مگر اینکه اساس و روش و سیستم در دانشگاه‌ها اسلامی باشد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۶). امام خمینی رحمته‌الله علیه هم در مورد ویژگی‌های دانشگاه اسلامی می‌فرماید: اگر دانشگاه واقعاً دانشگاه باشد و دانشگاه اسلامی باشد؛ یعنی در کنار تحصیلات متحقق در آنجا؛ تهذیب هم باشد؛ تعهد هم باشد، یک کشوری را اینها می‌توانند به سعادت برسانند (امام خمینی، ۱۳۶۰). امام خمینی رحمته‌الله علیه در مورد اسلامی شدن دانشگاه‌ها نیز می‌فرماید: معنی اسلامی شدن دانشگاه این است که استقلال پیدا کند و خودش را از غرب جدا کند و خودش را از وابستگی به شرق جدا کند و یک مملکت مستقل، یک دانشگاه مستقل، یک فرهنگ مستقل داشته باشیم. همچنین امام خمینی رحمته‌الله علیه در مورد اهداف دانشگاه اسلامی می‌فرماید: دانشگاه مرکز سعادت و در مقابل شقاوت یک ملت است. از دانشگاه باید سرنوشت یک ملت تعیین بشود... دانشگاه باید یک مرکز درست کردن انسان باشد (امام خمینی، ۱۳۵۹). از نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی، دانشگاه اسلامی، دانشگاهی است که در آن بینش توحیدی در تمام شئون دانشگاه و تفکر و اندیشه دانشگاهیان حاکمیت

انتقال دانش از نسلی به نسل دیگر (آموزش)، نشر و اشاعه دانش از طریق تربیت نیروی انسانی متخصص برای ارائه خدمات متنوع در جامعه، تحقق جامعه‌پذیری جوانان برای عبور از فردیت و رسیدن به حیات جمعی، مدیریت دانش و پژوهش با عنایت به نیاز روزافزون در خصوص هدایت جریان دانش و مطالعات؛ همگی از کارکردهای اصلی و وجه ممیز دانشگاه با سایر نهادهای جامعه، از دید اندیشمندان به‌شمار می‌روند. در واقع، امروزه واژه دانشگاه دربردارنده معانی و مفاهیم متنوعی است که ریشه در کارکردهای متنوع آن دارد (یمینی دوزی و ترک‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۴). کارکردهای دانشگاه از ابعاد مختلفی بررسی شده است: از بعد جامعه‌شناسی آموزش عالی، *آلن تورن*، سه کارکرد را برای دانشگاه مطرح می‌کند، کارکردهایی که در تضاد و تعارض با یکدیگر عمل می‌کنند. کارکرد بازتولید (تربیت نخبگان و تفسیر اطلاعات و درعین‌حال بازتولید ساختار و کارکردهای خود)، کارکرد سازگاری (سازگاری با تغییرات توأم با بازتولید خود) و کارکرد تولید (تولید محصولات متنوع و دشواری جذب آنها با توجه به ناهمگونی‌های ناشی از جهانی شدن اقتصاد). *بویرز*، چهار رسالت را برای دانشگاه مطرح می‌سازد: اکتشاف علمی، انسجام بین داده‌های موجود از طریق تفکر بین‌رشته‌ای، کاربرد اطلاعات در مسائل واقعی و آموزش به عنوان کار جدی دانشگاه. *کتروهلانی* نقش‌ها و کارکردهای آموزش عالی در سطح بین‌المللی را بدین شرح برشمرده‌اند: کارکرد آموزشی، کارکرد پژوهشی، کارکرد خدماتی، کارکرد انتشاراتی کارکرد رشد حرفه‌ای. براساس دیدگاه کارکردگرایی *پارسونز* دانشگاه دارای سه کارکرد اساسی در جامعه است: تربیت نیروی انسانی متخصص و ماهر، خلق و توسعه تکنولوژی و توسعه دانش‌های بنیادی در جامعه (ثمری، ۱۳۹۴، ص ۳۸).

امروزه فرهنگ و ایده تحول دانشگاه‌ها را درگرفته و نگرانی‌ها در مورد چگونگی شیوه‌های جهانی‌سازی و گفتمان، دانشگاه را تحت تأثیر قرار می‌دهد (چترتون، ۲۰۰، ص ۱۶۵). دانشگاه برای بقای خود تغییر پارادایم در کارکردش ایجاد کرده و آن اضافه کردن کارکرد و مأموریت جدید کارآفرینی و نوآوری است (پژوهش جهرمی، ۱۳۹۸، ص ۹۱). دانشگاه نقش خود را به آموزش و پژوهش محدود نمی‌داند، بلکه در نوآوری مشارکت می‌کند (لیتان، ۲۰۰۸، ص ۳۵). با بهره‌گیری از دیدگاه *لین* (۲۰۰۵) مهم‌ترین کارکردی که دانشگاه را از دیگر نهادهای اجتماعی و علمی و پژوهشی جدا می‌سازد، کارکرد آموزشی و تربیتی آن در سطوح آموزش عالی و تخصصی است. *لویسل*

توانستن؛ ۳. پی‌ریزی و ساختن آینده؛ ۴. تضمین سعادت ملت‌ها و چراغ راه جامعه (ذوالفقارزاده و سعدآبادی، ۱۳۹۲، ص ۱۹).

#### ۵. مؤلفه‌های مهم دانشگاه اسلامی

۱) علم و تخصص؛ ۲) معارف دینی؛ ۳) اخلاق و تهذیب؛ ۴) خودباوری و اعتمادبه‌نفس؛ ۵) استقلال و اتکای ذاتی در عین استفاده از یافته‌ها و تجارب دیگران؛ ۶) جامع‌نگری و بینش اجتماعی و سیاسی؛ ۷) آرمان‌گرایی و هدف‌داری. دانشگاه اسلامی می‌تواند با توجه به ساختار وجودی انسان و با توجه به مبانی انسان‌شناختی، اهداف خود را ترسیم نموده و در جهت تحقق آنها به تربیت متخصصان، تولید دانش و تربیت انسان‌های نقاد و متفکر پردازد و تحویل جامعه دهد (میرزاحمدی و صحبت‌لو، ۱۳۸۶، ص ۶).

#### ۶. محصول دانشگاه اسلامی

در زمینه محصول دانشگاه اسلامی می‌توان فرضیات ذیل را بررسی کرد: ۱. فارغ‌التحصیل دانشگاه ظواهر دینی را رعایت کند؛ ۲. فارغ‌التحصیل دانشگاه در رعایت ضوابط دینی در جامعه الگو باشد؛ ۳. فارغ‌التحصیل دانشگاه علاوه بر متخصص بودن، مهذب باشد؛ ۴. فارغ‌التحصیل دانشگاه علاوه بر تهذیب و رعایت ظواهر دینی، با دین خدا آشنا باشد. در حدی که بتواند نیازهای عمومی خود را به دین با مطالعه رفع کند؛ ۵. فارغ‌التحصیل دانشگاه، در رشته تخصصی خود علاوه بر تجارب و تخصص علمی متداول، تمام اطلاعات و تخصص دینی لازم را به مقدار آگاهی در رشته تخصصی خود داشته باشد؛ ۶. فارغ‌التحصیل دانشگاه علاوه بر تخصص لازم به مقدار مذکور در بند ۵ با سیاست‌های نظام اسلامی و محتوای دین در بعد مدیریتی کاملاً آشنا باشد؛ ۷. فارغ‌التحصیل دانشگاه در حد اجتهاد، با دین خدا آشنا باشد (میرزاحمدی و صحبت‌لو، ۱۳۸۶، ص ۱۶). هدف این دانشگاه تربیت دانشجویی با خصوصیات و ویژگی‌های خاص، مانند سخت‌کوش، دارای شخصیت دینی، مسئولیت‌پذیر، دارای تحلیل و بصیرت سیاسی، عدالت‌خواه و... است (تجلی و عزتی، ۱۳۹۵، ص ۲۷۵).

#### ۷. دانشگاه تمدن‌ساز

دانشگاه تمدن ساز، دانشگاهی گفتمان‌ساز در پاسخ به ابهامات هویتی، فرهنگی و تمدنی نضج گرفته از اوضاع متغیر بین‌المللی و

دارد و علم‌آموزی به‌منزله یک عبادت در جهت ایجاد و تقویت این نگرش ایفای نقش می‌کند. دانشگاه اسلامی، دانشگاهی است که در آن محیطی سرشار از معنویت و مکارم اخلاق به منظور رشد و تعالی فردی و تربیت صحیح و تزکیه نفوس ایجاد می‌شود، حیات و شخصیت معنوی و اخلاقی افراد اعتلا می‌یابد. همچنین دانشگاه اسلامی، دانشگاهی است که در آن افراد در پرتو معارف اسلامی با احساس تعهد و مسئولیت نسبت به رشد و تعالی جامعه و تحقق اهداف و ارزش‌های اسلامی در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت می‌جویند (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۷). پس بنابراین دانشگاه اسلامی، دانشگاهی است که در آن همه ارزش‌های متعالی اسلامی، خلاقیت‌های ذهنی، نوآوری‌های علمی و تولیدات فکری در رفتار و شخصیت دانشگاهیان پدیدار گردیده و دانشگاه هدفش تهذیب انسانی، همراهی علم و ایمان، حس خدمت‌گزاری و استقلال‌طلبی و عدم وابستگی باشد. در آن تقویت و باروری دانش همراه است، تلاش در جهت تقویت و باروری دانش در زمینه‌های متفاوت البته متضمن بهره‌گیری از دستاوردهای علمی دانشمندان در حیطه‌های مختلف علم و دانش بشری صرف نظر از وابستگی‌های فرهنگی، تاریخی و جغرافیایی آنان است. دانشگاه اسلامی فضایی است که در آن دانشمندان اسلامی با اتخاذ چنین نگرشی اقدام به تحقیق علمی به‌منظور شناخت بهتر عالم می‌نمایند (میرزاحمدی و صحبت‌لو، ۱۳۸۶، ص ۶)؛ بنابراین در دانشگاه اسلامی وجود هویت اسلامی اصالت دارد، دارای استقلال علمی و فرهنگی است، محصول آن افراد مؤمن و متعهد است، سعادت دنیوی و اخروی را توأمان تأمین می‌کند، ارزش‌های دینی در تمام ساخت‌های آن اعم از باطن و ظاهر حکم فرماست، پاسخگوی مسائل و مصالح کشور است، در جهت «الله» و «قرب الهی» است (فراستخواه و آبسالان، ۱۳۹۶، ص ۴۷۹). علم‌آموزی در آن عبادت، تحقیق و پژوهش در اولویت، پرورش روحیه تعهد و رسالت‌مداری زیربنا، مقدم داشتن دردهای جامعه و مشکلات آن اصل، حفظ حدودالله و وظیفه، و تخلق به اخلاق اسلامی، زینت لازم است (مروتی، ۱۳۷۶، ص ۱۱۱).

#### ۴. کارکردهای دانشگاه اسلامی

ذوالفقارزاده (۱۳۹۲) کارکردهای دانشگاه اسلامی را چنین بیان می‌کند: ۱. انسان‌سازی؛ ۲. استقلال فکری و تحقق فرهنگ

### ۸. ویژگی‌های دانشگاه تمدن‌ساز

سیاه‌پوش (۱۳۸۹) در تحقیق خود هشت ویژگی برای دانشگاه تمدن‌ساز عنوان کرده است: استقلال، تخلق به اخلاق ایمانی و عقل و خرد، مبارزه با فقر فکری و علمی جامعه، انضباط، تدوین مقررات و ضوابط نوین و طرد تشکیلات و مقررات فرسوده، ترویج پژوهش‌های بنیادی، دوری از کشمکش‌های سیاسی و فرقه‌ای، ارتباط گسترده با نهادهای علمی بین‌المللی (سیاه‌پوش، ۱۳۸۹، ص ۱۵).

خرمشاد (۱۳۸۸) نیز در تحقیق خود ویژگی‌هایی را برای این دانشگاه برشمرده است: دانش‌محور و علم‌گراست. در جست‌وجوی ایجاد جهش و جنبش در علم و تولید آن است. خردگرایی، عقل‌باوری و دانش‌محوری از ستون‌های اصلی آن محسوب می‌شود. پرتحرک، پرتحمل و دائماً در حال تکامل است.

### ۹. دانشگاه تمدن‌ساز اسلامی

امروزه پژوهشگران با ترکیب دانشگاه، تمدن و اسلام، اصطلاح دانشگاه تمدن‌ساز اسلامی را به کار می‌برند (خشوعی، ۱۳۹۴، ص ۱۸۰). دکتر سیدجعفر شهیدی تمدن اسلامی را مجموعه آداب و رسوم مشترک میان ملت‌های مسلمان می‌داند (فوزی، ۱۳۹۱، ص ۹). دانشگاه تمدن‌ساز اسلامی، با توجه به نقش دانشگاه در ارتباط با نیازهای جامعه و حفظ و تقویت هویت ایرانی - اسلامی و مسئله جهانی بودن علم، بین کارکردهای مختلف دانشگاه از حیث تمدن‌سازی تعادلی ایجاد می‌کند، تولید علم و جنبش نرم‌افزاری و سپس آموزش و ارائه خدمات اجتماعی به جامعه و تقویت حلقه ارتباطی صنعت و دانشگاه به اضافه کارکردهای فرهنگ‌سازی و تقویت معنوی جامعه و ظرفیت‌سازی سیاسی که جزء کارکردهای دانشگاه تمدن‌ساز محسوب می‌شود (فرجی ارمکی، ۱۳۸۶، ص ۷۷). تمدن اسلامی که نمونه کامل تمدن دینی است، ویژگی‌هایی دارد که آن را از سایر تمدن‌ها متمایز می‌سازد که اغلب این شاخصه‌ها، در واقع ملاحظات قرآنی می‌باشد. این شاخصه‌ها از این قرارند: ۱. قوانین دینی؛ ۲. نگرش توحیدی؛ ۳. عامل خردورزی؛ ۴. علم و دانش‌اندوزی؛ ۵. رعایت حقوق مظلومان و مستضعفان؛ ۶. هجرت؛ ۷. تسامح و تساهل (فوزی، ۱۳۹۱، ص ۹). پاره‌ای از مهم‌ترین مؤلفه‌های فرهنگ و تمدن اسلامی که به

شرایط داخلی در عصر جهانی شدن است (آدمی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۲۹). ضرورت‌ها و شرایط متفاوت عصر جدید موجب شده، تعاریف تازه‌ای از دانشگاه در قرن ۲۱ توجه نظریه‌پردازان و استراتژیست‌ها را به خود جلب کند. نمای کلی این تحولات از پیوند میان فرهنگ و آموزش عالی حکایت می‌کند. براین اساس نقش‌های تازه‌ای بر دوش دانشگاه‌ها قرار داده شده (خرمشاد، ۱۳۸۸، ص ۱۵). دانشگاه تمدن‌ساز با تکیه بر ایده و الگوی توسعه اسلامی - ایرانی با مدلی مشروح زمینه‌های تقویت گفتمان همبستگی ملی را از نظر یک نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باثبات فراهم آورده و شکل‌گیری انسجام اجتماعی و وحدت ملی و به نوبه خود، زمینه را برای توسعه متوازن در تمام ابعاد مختلف آن فراهم می‌کند؛ توسعه‌ای که همه‌جانبه، متوازن، پایدار، دانش‌بنیان و دین‌محور می‌باشد (آدمی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۲۹). تمدن مجموعه‌ای از عوامل اخلاقی و مادی است که به یک جامعه فرصت می‌دهد برای هر فردی از افراد خود، همکاری لازم را برای رشد به عمل آورد و همچنین تمدن موجب مصونیت زندگی انسان و تأمین روند حرکت و وسیله‌ای برای حفاظت از شخصیت ملی و دینی اوست (فوزی و صنم‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۱۲)، به دنبال آن نظریه دانشگاه تمدن‌ساز به لحاظ آرمانی با نگاه توأمان به تمدن ناب، اصیل و پیشرو ایرانی از یک سو و آموزه‌های تمدنی نجات‌بخش، فطری و تمام‌عیار اسلامی از سوی دیگر و از منظر گفتمانی با تکیه بر پیشینه درخشان و افتخارآمیز و عقبه فکری و معنوی اسلامی - ایرانی سعی در تعالی و گسترش مرزهای دانش در این مرزوبوم دارد (آدمی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۳۴). دانشگاه تمدن‌ساز یک آرمان، قله و هدف محسوب می‌شود. آرمانی که به دلیل والا بودن، حرکت‌ساز، تحرک‌آفرین و شتاب‌بخش است (خدایی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۶۷). این دانشگاه می‌خواهد تبیینی از نوع تعامل و دین ارائه کند که ثمره آن تحول در علوم موجود و پدیدار شدن علمی باشد که همان قدر که متصف به (علم بودن است) وصف «دینی» نیز داشته باشد؛ بنابراین دانشگاه تمدن‌ساز محیطی است با ساختار هوشمند و خلاق که دغدغه بازناندیشی تمدنی و بازسازی اجتماعی دارد و در پی تولید و اشاعه الگوی تمدنی، فرهنگی و اجتماعی اصیل منطبق با زمانه است (آدمی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۳۴).

### ۱۱. کارکردهای دانشگاه تمدن ساز اسلامی

دانشگاه تمدن ساز تولیدمحور است. این تولید و خروجی، محوری از عرصه های نظری و ارزش های معرفتی تا خروج محصولات عینی را دربر می گیرد. تمدن اسلام به شواهد شرقی ها و غربی ها، اختراعات و کشفیات زیادی را به بشریت تقدیم کرده و روش شناسی نوینی را در تحقیقات علم طبیعی و غیرطبیعی به وجود آورده است (آدمی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۳۶). از منظر آموزه های قرآنی توکل به خدا، پرورش نیروی عقلانی، بینش امیدوارانه و محبت و دگردوستی از مهم ترین مؤلفه های سبک زندگی دینی در تمدن اسلامی می باشد و بدون پایبندی و عمل براساس این موارد در سبک زندگی، دستیابی به زندگی دینی میسر نخواهد شد (مقدس و نظری، ۱۳۹۵، ص ۸۱).

لزوم احیا و بازسازی تمدن اسلامی و ایرانی نوآوری و پیشگامی در نظریه پردازی و تولید علم است. البته این عنصر در تمامی کشورها و در تمام انواع دانشگاه ها، عنصر اصلی دانشگاه به شمار می رود. تولید دانش، خودبده خود، وجود عنصر دیگری را ضروری می سازد و آن هم انتقال دانش تولید شده است. دانشگاه تمدن ساز دانشگاهی است که با انتقال دانش تولیدی به نسل های جوان به تربیت دانش آموختگان فرهیخته و تربیت نیروی انسانی متخصص برای جامعه می پردازد و از طریق پیدایش و شکل گیری اندیشه ها و جهان بینی های نو و نهضت های فلسفی - اجتماعی و فضای مناسب برای برخورد و تعامل افکار را امکان پذیر می سازد (آدمی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۳۷). دانشگاه تمدن ساز اسلامی - ایرانی دانشگاهی است معنویت گرا، ارزش گرا و انسان ساز که در پی رهبری معنوی و جهت دهی فرهنگی جامعه است و در عین پرداختن به علم به عنوان یک اصل، علم جهت دار الهی را مینا و چارچوب حرکت علمی خود قرار می دهد. کارکرد بعدی اشاعه و نشر دانش است. نتایج یافته های علمی خود را در اختیار جامعه قرار می دهد. پس از توزیع و اشاعه دانش در سطح جامعه و کاربردی کردن دانش تولیدی، بازخورد آن را از بخش های مختلف دریافت کرده و به بازنگری در دانش تولیدی می پردازد. از این طریق چرخه ای پایدار از تولید دانش، توزیع، نشر و کاربردی کردن آن، دریافت بازخوردها و بازنگری و درنهایت تولید بیشتر و پیشرفته تر شکل می گیرد. تعادل بین آموزش و پژوهش از دیگر کارکردهای اصلی دانشگاه تمدن ساز است. توجه به زبان ملی و دیگر عناصر هویتی متناسب با ارزش های فرهنگی در تولید دانش است. درعین حال مهم ترین ویژگی دانشگاه

موفقیت و پیشرفت سریع دانشگاه تمدن ساز اسلامی کمک می کند را موارد زیر می داند: ۱. جهانی اندیشیدن، جهان شمول بودن و مرز نشناختن؛ ۲. تساهل و مدارا، گشادگی مشرب و آمادگی برای پذیرش افکار تازه و عناصر فرهنگی دیگران و منطبق ساختن آن با روح توحیدی اسلام؛ ۳. تبلیغی و باز بودن اسلام در مقایسه با آیین های بسته ای چون یهودی و زرتشتی؛ ۴. تعادل در نگرش میان دنیا و عقبی و نیز توجه به سیاست و اجتماع؛ ۵. تأکید بر عدالت و برابری نژادها و احترام به حقوق ملل و مذاهب دیگر؛ ۶. ایجاد زمینه فکری برای گسترش نهضت علمی با تأکید بر تجربی اندیشیدن و توجه دادن انسان به نظام طبیعی و اسرار آن (مفتخری، ۱۳۷۹، ص ۶).

### ۱۰. مؤلفه های دانشگاه تمدن ساز

نظری و فتاحی در مقاله خود معیارهای این دانشگاه را چنین برشمرده است: مؤلفه هایی از جمله دانایی محوری، توانایی و توانمندی، نیکویی و زیبایی (نظری و فتاحی، ۱۳۹۵، ص ۱۵). خرمشاد (۱۳۸۸) در تحقیق خود مؤلفه های زیر را برای دانشگاه تمدن ساز بیان می کند: ۱) دغدغه بازاندیشی دارد؛ ۲) دغدغه تربیت شهروند فرهنگی و اشاعه فرهنگ شهروندی بومی - جهانی دارد؛ ۳) دغدغه گسترش و تقویت ارتباطها و تعامل های علمی؛ ۴) دانشگاهی معنویت گرا؛ ۵) ارزش گرا؛ ۶) عدالت محور؛ ۷) پژوهش محور؛ ۸) فراکارکردگر؛ ۹) فن گرا، تخصص محور. مهارت ساز؛ ۱۰) توسعه جو؛ ۱۱) پیامدگرا و برونداد محور؛ ۱۲) نقد محور؛ ۱۳) رقابتی؛ ۱۴) میان رشته گرا و فرارشته گرا؛ ۱۵) آموزش محور؛ ۱۶) نخبه گرا؛ ۱۷) انسان ساز؛ ۱۸) پاسخگو؛ ۱۹) پویا؛ ۲۰) تولیدمحور است (خرمشاد، ۱۳۸۸، ص ۱۸۲). عباسی نیا (۱۳۹۵) بیان می کند از پژوهش در آیات و روایات این نتیجه به دست آمد که مؤلفه هایی نظیر جهت گیری دینی و اسلامی، برخورداری از هویت علمی و توانمندی پژوهشی، استقلال و عدم وابستگی، خدمت گذاری، رضایت محوری و توجه به خشنودی مردم و زیبایی را می توان به عنوان مهم ترین شاخصه ها و ویژگی های دانشگاه تمدن ساز اسلامی نام برد. به این معنا که مزین شدن دانشگاه به این مؤلفه ها موجب اطلاق صفت تمدن سازی اسلامی به این نهاد می شود. همچنان که فقدان وجود هر کدام از آنها باعث ناکارآمدی دانشگاه در این عرصه تمدنی می گردد (ر.ک: عباسی نیا و حسین پور، ۱۳۹۵).

برای اسلامی شدن قرار گیرند و در سایر ابعاد دینی لاقبل با کلیات دینی آشنا شوند (احمدی، ۱۳۸۱، ص ۸۲). اما در بعد اجتماعی سه کارکرد اساسی دانشگاه تمدن ساز عبارت‌اند از: انسجام اجتماعی، هویت ملی و وحدت ملی. با توجه به تنوع جامعه ایران و انطباق این ناهمگونی‌ها بر مناطق جغرافیایی، ایفای کارکردهای اجتماعی بعدی بسیار مهم و خطیر از دانشگاه تمدن ساز است و اگر بی‌ذیریم که وجود انسجام، وحدت ملی، شکل‌گیری هویت ملی کلانی که تمامی ماه‌های ریزتر و فرعی‌تر را پوشش دهد لازمه رشد تمدن است؛ آن‌گاه ضرورت و اهمیت کارکردهای اجتماعی دانشگاه تمدن ساز بیشتر عیان خواهد شد (آدمی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۳۶). دانشگاه تمدن‌ساز اسلامی کارکردهای ذکرشده را با رنگ و بوی اسلامی، تأثیر گرفته از قرآن کریم و فرمایشات امامان علیهم‌السلام در خود ایجاد می‌کند. علم و ایمان توأم با یکدیگر اصلی‌ترین شاخص‌های ارزش‌گذاری در نظام اجتماعی اسلامی است که تبلور علم و ایمان به‌طور هم‌زمان در وجود انسان‌های متعدد به عمل صالح یعنی مهم‌ترین شاخص ارزش‌گذاری منجر می‌شود (نیازی و کارکنان نصرآبادی، ۱۳۹۰، ص ۵۴).

## ۱۲. چالش‌ها

در زمان‌های متفاوت، تحقیقات مختلفی انجام شده که در این زمینه تفاوت دیدگاه‌های زیادی دیده می‌شود برخی به‌ظاهر دینی توجه کرده‌اند و برخی به مدرسان و برخی به محتوی درسی. عدم وجود یک پارادایم مشخص در این حوزه و نبود وفاق جمعی و راه‌کارهای بلندمدت و وجود الفاظ مبهم، عواملی هستند که حرکت دانشگاه اسلامی را به سمت دانشگاه تمدن‌ساز اسلامی کمی کند می‌کند. گاهی، موارد سیاسی بر موارد علمی پیشی گرفته و گاهی، برداشت سطحی از موضوع شده است. بخشی از راه‌کارهای عنوان‌شده غیرواقعی بوده یا مدیریت واحدی برای این امر تصمیم‌گیری نکرده است. آسیب‌های فضای مجازی بر تعلیم و تربیت دینی تأثیرگذار بوده، آسیب‌هایی که از جمله می‌توان به آسیب‌های اخلاقی و پزشکی، استحاله شدن ارزش‌ها، نقض حریم خصوصی افراد، اعتیاد روانی به اینترنت، بحران هویت و اختلال در شکل‌گیری شخصیت، محتوای نامناسب گروه‌های سنی، انحرافات اخلاقی و جنسی، تأثیر هویت واقعی بر شکل‌گیری هویت مجازی، انزوای دور ماندن از محیط‌های واقعی اجتماع و... اشاره کرد (نبی‌زاده بابکی و

تمدن ساز در عرصه مدیریتی مدیریت مؤثر ارتباط با جامعه است (آدمی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۳۶). اگر دانشگاه درصدد ایفای نقش تمدن‌سازی باشد، ناگزیر از پیوند متقابل و فعال با جامعه است تا متناسب با نیازهای روز جامعه به تولید دانش بپردازد، تحقق این معنا، یعنی برای ایجاد زمینه‌های لازم در جهت توجیه و تبیین نگرش جدید در مورد علم و رسالت دانشمندان همکاری مستمر و نزدیکی بین همه دانشمندان و فلاسفه مذهبی ضروری است (احمدی، ۱۳۸۱، ص ۸۲). دیگر کارکرد مدیریتی دانشگاه تمدن‌ساز، استقرار نظام برنامه‌ریزی و توسعه مدیریت منابع انسانی در حوزه‌های مختلف به منظور بهره‌برداری از توانمندی‌های تمامی دانشگاه‌ها و ترویج و توسعه علم‌گرایی به‌عنوان گفتمان مسلط در دانشگاه و نیز در جامعه است. ارتباط خلاق با اقتصاد، دیگر کارکرد مدیریتی دانشگاه تمدن‌ساز است. مدیریت دانشگاه تمدن‌ساز، مدیریتی است که ارتباطی خلاق و دوجانبه با اقتصاد برقرار کرده و در حفظ و تقویت آن می‌کوشد (آدمی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۳۶). در نتیجه با تزریق یافته‌های علمی و دستاوردهای پژوهشی به بخش‌های اقتصادی به رونق اقتصادی کمک کرده و خود نیز از عواید آن منتفع می‌شود. شاخص دیگری که می‌توان برای دانشگاه تمدن‌ساز به کاربرد، بعد ارتباطی است. دانشگاه تمدن‌ساز دانشگاهی ارتباطی با دغدغه‌گسترش و تقویت ارتباط‌ها و تعامل‌های علمی، فرهنگی، اجتماعی، میان‌ادیان، مکاتب فکری - فلسفی و ملت‌هاست. همچنین در این زمینه، مهم‌ترین کارکرد دانشگاه تمدن‌ساز رواج و حاکمیت عقلانیت ارتباطی، فضای گفت‌وگو و تبادل و تضارب افکار و نقادی است. کارکرد بعدی توجه به معیار توسعه است. کارکرد دیگر توجه به بعد پرونداد یا خروجی این دانشگاه است. تربیت نیروی متخصص و متعهد اولین شرط و پیش‌نیاز ضروری چنین دانشگاهی است؛ زیرا تمدن‌سازی طالب نیروهای تربیت‌شده است و این وظیفه مهم بر عهده یک دانشگاه تمدن‌ساز است. این دانشگاه، محل تربیت دانشجویانی خواهد بود که علاوه بر کسب تخصص در رشته تحصیلی خود، از حیث تجارب و عقل بشری، از رهاورد وحی و دین نیز لاقبل در آن رشته در حد تخصص برخوردار گردند و بتوانند از حیث ظاهر، عامل به ظواهر دینی باشند و تنها به تعلیم نپردازند؛ بلکه از تهذیب برخوردار گردند و از حیث توان مدیریتی، قادر باشند که در حد اداره پست‌های کلیدی نظام اسلامی، از تخصص و آگاهی اسلامی برخوردار شوند و بتوانند الگوی سایرین



چالش‌های پیش‌روی دانشگاه تمدن ساز اسلامی در پیشینه موجود، محقق پیشنهاد می‌کند که تحقیقاتی در زمینه شایستگی‌های مدیران دانشگاه تمدن ساز اسلامی صورت گیرد؛ چراکه چنین دانشگاهی مدیران و متصدیان متخصص و متعهد نیاز دارد و مدیری که شایستگی لازم را ندارد هم به خود و هم به مجموعه و جامعه خود آسیب می‌زند و جلوی هرگونه پیشرفت و نوآوری و تغییر را می‌گیرد. تاکنون تحقیقات زیادی در رابطه با شایستگی مدیران دانشگاه و همچنین دانشگاه اسلامی و دانشگاه تمدن ساز انجام شده است؛ اما در زمینه شایستگی‌های مدیران دانشگاه تمدن ساز اسلامی تحقیق نشده و پیشینه تحقیق در این زمینه به صورت ترکیبی وجود ندارد و این امر مستلزم انجام یک تحقیق آمیخته با جامعه آماری کیفی، اساتید و نخبگان دانشگاهی در رشته‌های مدیریت و تمدن اسلامی است تا یک تحقیق بین‌رشته‌ای جامع باشد. بدین صورت می‌توان کمکی در راه داشتن دانشگاه تمدن ساز اسلامی کرد و با نوآوری در تحقیق و انجام تحقیقاتی که جدید است و تکراری نیست، گام مؤثری در این زمینه برداشت.

### نتیجه‌گیری

دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در فرایند توسعه و تکوین خود تأثیرات عمیقی بر فرهنگ و روش‌های زندگی و تولید علم و نظریه به عنوان راهنمای عمل، برای حل مسائل و مشکلات جامعه داشته، و با برخورداری از محیطی مستقل، آزادی علمی و ثبات شغلی، سعی در تولید دانش، فرهنگ‌سازی و ارائه خدمات دارند (پورعزت و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۱۰) و هدف اصلی‌شان توسعه اطلاعات (شخصیت‌سازی)، توسعه مهارت‌ها (ایجاد ارزش افزوده)، توسعه شخصیت (دگرگونی) و خلاقیت و تفکر (شکوفایی استعداد) بوده و ابزار اصلی برای تأثیرگذاری بر فرهنگ و شخصیت افراد، فقط اطلاعات و الگوهای رفتاری است و به عنوان یک نظام نرم و فرمان‌ناپذیر اجتماعی، مدیریت پیچیده و سختی دارند. نحوه تعامل و ارتباط آنها متفاوت از دستگاه‌های دولتی و صنعتی است و در آنها انسان‌ها گنج‌های پنهان و قیمتی محسوب می‌شوند که کار اصلی، کشف این ارزش‌ها و توسعه آنهاست (فضل‌الهی قمشی و اسلامی فر، ۱۳۹۰، ص ۱۲۴). دانشگاه‌ها در فرایند تمدنی نیز نقش مؤثری دارند. طبق نظرات خرمشاد (۱۳۸۸) تأثیرات امروز دانشگاه بر تمدن‌سازی

همکاران، ۱۳۹۵، ص ۲۶). هیچ تمدنی تصادفی نیست، وضعیت فعلی دنیای اسلام از یک سو و شرایط سیاسی اقتصادی جهان از سوی دیگر، عوامل بازدارنده بسیار قوی در مقابل تمدن اسلامی تلقی می‌شوند. وابستگی سیاسی، نابسامانی‌های اقتصادی بحران مشروعیت، بحران هویت، بحران آموزش، فقر و محرومیت زمینه‌های وابستگی جوامع مسلمانان را به‌طور فزاینده‌ای افزایش می‌دهد (سریع‌القلم، ۱۳۷۲، ص ۵۱۸). دانشگاه‌های ما، دانشگاه‌های آموزش محور هستند. این مربوط به نسل اول دانشگاه‌هاست. نسل دوم دانشگاه، دانشگاه‌های کاربردی است. نسل سوم دانشگاه، دانشگاه تمدن ساز است و ما باید به این سمت برویم (خسروپناه، ۱۳۹۴). فرمبندی *فراهانی* و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیق خود برخی از چالش‌های پیش‌روی تحقق تمدن اسلامی در بعد ساختاری که می‌تواند شامل دانشگاه تمدن ساز هم باشد، در موارد پیش‌رو می‌داند: عدم پیروی از رهبری واحد، تهاجم فرهنگی، مشکلات اقتصادی جوامع، مقابله غرب با جهان اسلام، طغیان مادی‌نگری در تفکر جامعه، انحراف و کج‌فهمی در گروه‌های مرجع (فرمبندی فراهانی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۷۴۲). *ابوذر طوقانی* نیز چالش‌هایی را در این زمینه بیان کرده است: کم‌تحمیل بودن در رسیدن نتیجه مطلوب، تشتت آرا و عدم تصمیم‌گیری واحد، سیاست‌زدگی و افسوس قدرت، فرهنگ مهاجم غربی، تجمل‌گرایی و ثروت‌اندوزی و تکیه و توجه به منافع شخص (پایگاه تخصصی اهل‌بیت علیهم‌السلام). از دیگر چالش‌های پیش‌رو می‌توان به تضعیف عدالت اشاره کرد، عدالت مهم‌ترین ویژگی جامعه اسلامی است. عدالت می‌تواند اندامواره متعادل برای جامعه تأمین کند و سبب پیشرفت جامعه شود. اگر عدالت در جامعه نباشد، ظلم حاکم خواهد بود، که تعدی به حقوق دیگران و عدم فعلیت ظرفیت آحاد جامعه و پیشرفت نامتوازن را در پی دارد (علاءالدین، ۱۳۹۱، ص ۳۵). برای رسیدن به دانشگاه تمدن ساز اسلامی راه برون‌رفت از چالش‌های موجود، رسیدن به فهمی مشترک در خصوص دانشگاه تمدن ساز اسلامی است؛ فهمی که اولاً، نقطه‌نظرات همه ذی‌نفعان و کنشگران دانشگاهی در آن لحاظ شده باشد و از تفسیرهای موجز و یک‌جانبه‌گرایانه در آن پرهیز شده باشد؛ ثانیاً، با عرف حاکم بر نهادهای علمی بین‌المللی در تعارض نباشد و ثالثاً، متناسب با ارزش‌ها و نیازهای جامعه اسلامی ایران باشد (فراستخواه و آبسالان، ۱۳۹۶، ص ۴۹۵). لذا با بررسی

به حدی است که می‌توان ادعا کرد بدون دانشگاه هیچ تمدنی ره به جایی نخواهد برد. نتایج تحقیق با هدف تبیین چالش‌ها و راه‌کارهای تحقق دانشگاه تمدن‌ساز اسلامی نشان داد:

در پاسخ به این سؤال که ضرورت داشتن دانشگاه تمدن‌ساز اسلامی چیست؟ همین بس که دانشگاه‌ها امروز به‌عنوان ستون‌های نگه‌دارنده تمدن‌ها تلقی می‌شوند، آنها مستقیم و غیرمستقیم بر کلیه مسائل جامعه تأثیر دارند. دانشگاه محل انباشت علم برای تمدن‌سازی است، البته دستگاه‌های دیگر کشور هماهنگ با دانشگاه تمدن‌ساز باید به تمدن‌سازی اقدام کنند، نقش دانشگاه تمدن‌ساز اسلامی برای ساخت چنین تمدنی بسیار ضروری و مهم است. از آنجاکه در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که در آن حکومت اسلامی بناشده و می‌تواند الگویی برای دیگر کشورهای اسلامی باشد؛ بنابراین توجه به داشتن دانشگاه تمدن‌ساز اسلامی، برای تمدن‌سازی اسلامی ضروری است. در تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده، محققان به برخی از عواملی که باعث افول تمدن می‌شوند، پرداخته‌اند. عبدالملکی (۱۳۹۶) این عوامل را از نظر امام علی<sup>ع</sup> چنین برمی‌شمارد: پیروی از هوای نفس، بی‌عدالتی اجتماعی، بی‌تفاوتی اجتماعی. در دیدگاه امام خمینی<sup>ع</sup> نیز موارد زیر را می‌توان بیان کرد: غرب‌زدگی و شرق‌زدگی و از خودبیگانگی، از دست دادن وحدت و انسجام، حکومت‌های فاسد حاکم بر جوامع مسلمین (عبدالملکی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۲۸). شناخت این عوامل و دوری از آنها می‌تواند جامعه را در به دست آوردن و حفظ دانشگاه تمدن‌ساز اسلامی یاری رساند. ضمن اینکه چالش‌های روبروی ساخت و حفظ این دانشگاه کم نیستند، از جمله طراحی و به دست آوردن منابع متناسب با هدف‌های این دانشگاه، زیرساخت‌های مناسب جهت حرکت به سمت این نوع دانشگاه، انسجام درونی و بیرونی، داشتن استقلال فکری، حفظ و حراست از این دانشگاه، داشتن تعهد و تخصص لازم در ساخت این نوع دانشگاه. محققان بیان می‌کنند که برای ایجاد دانشگاه تمدن‌ساز اسلامی سه مؤلفه را مدنظر باید قرارداد، تمدن اسلامی، راه‌کارهای کلی، راهکارهای عملی که عناصر تمدن اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری، دین، عقلانیت، اخلاق و علم می‌باشند و اگر از تمدن‌سازی اسلام سخن می‌گوییم، نباید از تمامیت اسلام سلب توجه کنیم. چنانچه تنها بخشی از اسلام مورد عمل واقع گردد و با بخش‌های دیگر آن بی‌مهری شود، در این صورت نباید تولد تمدن کامل اسلامی را انتظار داشته باشیم

(وحیدی‌منش، ۱۳۷۶، ص ۱۷). چنانچه آیت‌الله مصباح فرمودند اگر عده‌ای در اتاق در بسته‌ای تصمیم بگیرند که باید در دانشگاه اعلامیه نصب کنند، دختران حجاب را رعایت کنند، نماز اول وقت خوانده شود، تعقیبات نماز را بخوانند؛ اما در کتاب روان‌شناسی نداشته باشیم که مثلاً امام صادق<sup>ع</sup> در آن باره چه نظری دارند؛ یا در مورد اقتصاد، چند دهه دیگر هم بگذرد سر جای اول خواهیم بود (مصباح، ۱۳۸۵، ص ۱۸). بنابراین، از آنجاکه خواسته‌ها و داشته‌های هر جامعه‌ای متفاوت از دیگری است، لذا برای تمدن‌سازی ابتدا باید هویت بومی و اسلامی خود را شناخته و امکانات، توانایی‌ها و اهدافمان را مورد بررسی قرار دهیم (محمدی، ۱۳۹۵، ص ۳۹). دیگر نباید به فکر ایجاد «تهضت ترجمه» بود؛ بلکه باید در اندیشه تولید در کلیه عرصه‌ها، بخصوص در عرصه نظریه‌پردازی و تولید علم باشیم. این هدف مهمی است که مقام معظم رهبری تحت عنوان «تهضت نرم‌فزاری» به آن توجه داده‌اند (وحیدی‌منش، ۱۳۷۶، ص ۳۲). اگر بخواهیم جمع‌بندی از نظرات محققان در ارائه راه‌کارها داشته باشیم، می‌توانیم به مواردی چنین اشاره کنیم، باید کوشید تا با عمل به اجتهاد تفسیرهای تازه‌ای از اسلام که بتواند پاسخگوی مقتضیات عصر حاضر باشد، ارائه کرد. وضعیت کنونی دانشگاه‌ها را آسیب‌شناسی کرد و نقد و بررسی وضعیت موجود دانشگاه‌ها و فاصله آنها تا وضعیت مطلوب در آینده را شناسایی، و برنامه‌ریزی دقیق برای رسیدن به وضع مطلوب با استفاده از خبرگان این امر انجام داد. در این راه تهدیدها و فرصت‌های زیادی قرار دارد که می‌توان با شناخت آنها راهبردهای مناسبی در ساخت دانشگاه تمدن‌ساز اسلامی اتخاذ کرد. ضمن اینکه علاوه بر استفاده از خبرگان این امر، از نظر آیت‌الله جوادی آملی، ایجاد دانشگاه تمدن‌ساز اسلامی نیازمند استفاده از راه‌کارهایی است و یکی از بهترین راهکارها استفاده از گفتار امامان معصوم<sup>ع</sup> است؛ زیرا امامان معصوم<sup>ع</sup> میزان اعمال‌اند و خداوند تمامی اعمال و صفات مردم را در قیامت با اعمال آنها خواهد سنجید (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۶ ص ۱۲۳). این امر با پژوهش، آگاهی و شناخت، کسب مهارت و فنون در راستای پاسخ‌گویی در برابر نیازهای جامعه برای گرایش به تمدن‌سازی دانشگاه‌ها امکان‌پذیر است. با برنامه‌ریزی دقیق می‌توان به این مهم دست‌یافت، اما نیازمند زیرساخت‌های لازم در آموزش عالی است و زمان بر است. علاوه بر آن باید توجه شود که این برنامه‌ها نباید تحمیلی باشند؛ شیوه‌های قدیمی و غیر کاربردی حذف گردد؛ و باید برنامه‌ها، هدفمند، زمان‌بندی شده و

غیرشعاری باشد. این برنامه‌ها با توجه به دستورات قرآن و امامان علیهم‌السلام باید از فساد و تجمل‌پرستی، جلوگیری کند، خدامحور باشد، از هجوم خارجی در امان باشد و از برهم خوردن بافت طبقاتی جامعه جلوگیری کند، تولیدات تصنعی نداشته باشد و به‌طور کلی الگویی طراحی شود که در آن دانشگاه تمدن ساز اسلامی متناسب با نیازهای حال و آینده طراحی و اجرا گردد. به‌علاوه انجام تحقیقاتی بین‌رشته‌ای و ترکیبی در زمینه‌های اداره دانشگاه تمدن ساز اسلامی می‌تواند بسیار سودمند باشد. برای مثال می‌توان تحقیق ترکیبی با روش داده بنیاد در زمینه شایستگی مدیران چنین دانشگاهی انجام داد و از **نهج البلاغه** و نظر نخبگان و فرمایشات مقام معظم رهبری و قرآن کریم بهره برد و مدلی ترکیبی و کاربردی ارائه داد.

#### منابع.....

نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ترجمه محمد دشتی، قم، مشهور.  
احمدی، حسینعلی (۱۳۸۱)، «مفهوم و ماهیت دانشگاه اسلامی»، *دانشگاه اسلامی*، ش ۴، ص ۳۸-۳۳.  
آدمی ابرقویی، علی و همکاران، ۱۳۹۱، «دانشگاه تمدن ساز، الگوی بومی و تعمیق همبستگی ملی»، *مطالعات ملی*، ش ۱، ص ۵۹-۲۹.  
بازرگان دیلمقان، فریدون (۱۳۵۴)، *تاریخ آموزش و پرورش ایران*، تهران، دانشگاه تهران.  
بیانات مقام معظم رهبری در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی، ۱۳۹۰/۶/۲۶.  
پایگاه تخصصی معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام، ابوذر طوقانی، «آسیب‌شناسی چالش‌ها و موانع تمدن نوین اسلامی»، در: <https://razavi.aqr.ir>.  
پژوهش جهرمی، امین، ۱۳۹۸، «تحلیل محتوی بیانیه مأموریت دانشگاه‌های برتر ایران و جهان»، *رهیافت*، ش ۶۶، ص ۱۰۷-۸۹.  
پورعزت، علی اصغر و همکاران، ۱۳۸۷، «الگوی مطلوب طراحی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایران در عصر جهانی شدن»، *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، ش ۴۰، ص ۲۳-۳.  
تجلی، منیر و میترا عزتی، ۱۳۹۵، «مؤلفه‌های تصویر سازمانی دانشگاه اسلامی از منظر رهنمودهای اسلام»، *مدیریت در دانشگاه اسلامی*، سال پنجم، ش ۲، ص ۳۷۸-۳۵۹.  
نمری، عیسی، ۱۳۹۴، *مبانی نظری توسعه آموزش عالی و سیستم دانشگاه (مفاهیم، نظریه‌ها و الگوها)*، اراک، آفاق کلام.  
جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷، *تفسیر موضوعی قرآن کریم، سیره پیامبران علیهم‌السلام در قرآن کریم*، قم، اسراء.  
خدایی، ابراهیم و همکاران، ۱۳۹۵، *مقدمه‌ای بر طراحی الگوی دانشگاه تمدن ساز*، تهران، کنگره ملی آموزش عالی ایران.  
خرمشاد، محمدباقر، ۱۳۸۸، «انقلاب اسلامی، انقلاب تمدن ساز؛ دانشگاه ایرانی، دانشگاه تمدن ساز»، *تحقیقات فرهنگی*، ش ۶، ص ۱۸۸-۱۶۱.  
خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۹۴، *باید به سمت مدل دانشگاه تمدن ساز برویم*،

تهران، شورای عالی انقلاب فرهنگی.  
خشوعی، مهدیه‌السادات، ۱۳۹۳، *راهکارهای ایجاد دانشگاه تمدن ساز اسلامی: عامل احیا و تقویت تمدن اسلامی*، تهران، هشتمین همایش بین‌المللی پژوهش‌های قرآنی.

—، ۱۳۹۴، *تدوین نظریه دانشگاه تمدن ساز اسلامی براساس گفتار اهل‌بیت علیهم‌السلام*، شیراز، همایش اهل‌بیت علیهم‌السلام و تولید علم.  
ذوالفقارزاده، محمدمهدی و علی اصغر سعیدآبادی، ۱۳۹۲، «بازتعریف کارکردهای اصلی دانشگاه در جامعه براساس آرمان‌های اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره)»، *مطالعات راهبردی بسیج*، سال هفدهم، ش ۶۵، ص ۳۱-۶.

سربق‌القلم، محمود، ۱۳۷۲، «قواعد تمدن‌سازی و آینده تمدن اسلامی»، *مطالعات خاورمیانه*، ش ۳، ص ۵۳۲-۵۱۹.  
سعیدی‌روشن، محمدباقر، ۱۳۹۳، «شاخص‌های تمدن اسلامی براساس آموزه‌های قرآن کریم»، *آموزه‌های قرآنی*، ش ۱۹، ص ۸۲-۶۱.  
سیاه‌پوش، سیدابوتراب، ۱۳۸۹، «ویژگی‌های دانشگاه تمدن ساز»، *جامعه پژوهی فرهنگی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، سال اول، ش ۲، ص ۱۰۵-۱۲۲.

صفایی‌مقدم، مسعود، ۱۳۷۶، «تحلیلی بر مفهوم دانشگاه اسلامی»، *علوم تربیتی و روانشناسی*، دوره سوم، ص ۴۲-۲۱.

عباسی‌نیا، سعید و پریوش حسین‌پور، ۱۳۹۵، *ویژگی‌های بارز دانشگاه تمدن ساز از منظر قرآن و احادیث*، تهران، سومین کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی.

عبدالملکی، هادی و همکاران، ۱۳۹۶، «نظریه گذار تمدنی به‌مثابه راهبردی برای تحقق تمدن نوین اسلامی با تأکید بر بیداری اسلامی»، *تمدن نوین اسلامی*، ش ۱، ص ۱۵۱-۱۲۱.

علاءالدین، سیدمحمدرضا، ۱۳۹۱، «قرآن کریم و راهکارهای توسعه و پیشرفت تمدن اسلامی»، *کوثر*، ش ۴۴، ص ۳۷-۲۷.

فراست‌خواه، مقصود و صادق آبالان، ۱۳۹۶، «اسلامی شدن دانشگاه در ایران بعد از انقلاب، فراتحلیلی از پژوهش‌ها»، *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، سال بیست و یکم، ش ۴، ص ۴۷۰-۴۹۸.

فراست‌خواه، مقصود، ۱۳۸۸، *سرگذشت و سوانح دانشگاه در ایران*، تهران، رسا.  
فرجی ارمکی، اکبر، ۱۳۸۶، «رسالت و نقش دانشگاه اسلامی در تمدن‌سازی و تولید علم دینی»، *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، ش ۳۶، ص ۸۰-۶۴.

فرمینی‌فراهانی، محسن و همکاران، ۱۳۹۴، *چالش‌های (ساختاری هویتی) تمدن نوین اسلامی و نقش ایران در کاهش و رفع آن*، تهران، دانشگاه شاهد.  
فضل‌اللهی، سیف‌الله، ۱۳۹۴، «دانشگاه اسلامی دانشگاهی یادگیرنده (ضرورت‌ها و چالش‌ها)»، *اسلام و پژوهش‌های مدیریتی*، سال چهارم، ش ۲، ص ۱۱۱-۱۳۴.

فضل‌اللهی قمشی و سوده اسلامی‌فر، ۱۳۹۰، «معیارهای دانشگاه اسلامی از دیدگاه استادان دروس معارف اسلامی»، *معرفت*، ش ۱۶۷، ص ۶۸-۷۳.  
فوزی، یحیی و محمودرضا صنم‌زاده، ۱۳۹۱، «تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی»، *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، سال سوم، ش ۹، ص ۴۰-۷.

- قورچیان، نادرقلی و عباس خورشیدی، ۱۳۷۹، *شاخص‌های عملکردی در ارتقای کیفی مدیریت نظام آموزش عالی تهران*، تهران، فرانشاخنه اندیشه.
- محمدی، زهرا، ۱۳۹۵، *نقش و جایگاه دانشگاه در تمدن نوین اسلامی*، تهران، دومین همایش ملی تمدن نوین اسلامی.
- مروتی، سهراب، ۱۳۷۶، «از دانشگاه تا دانشگاه اسلامی»، *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، ش ۳، ص ۱۰۹-۱۱۲.
- مصباح، محمدتقی، ۱۳۸۵، «شیوه‌های اسلامی کردن دانشگاه‌ها»، *فقه و مبانی حقوق*، ش ۳، ص ۲۰-۹.
- مصوبه سند دانشگاه اسلامی، مصوب ۷۳۵، مورخ ۱۳۹۲/۴/۲۵، شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- مفتخری، حسین، ۱۳۷۹، «تمدن اسلامی، مبانی و مؤلفه‌های اساسی آن»، *تاریخ اسلام*، ش ۲، ص ۳-۶.
- مقدس، رؤیا و مصطفی نظری، ۱۳۹۵، *مؤلفه‌های بارز سبک زندگی معنوی در تمدن اسلامی از منظر قرآن کریم*، تهران، دومین همایش ملی تمدن نوین اسلامی.
- مهاجرانی، سیدعطاءالله، ۱۳۷۵، «تمدن نوین اسلامی»، *راهبرد*، ش ۱۲، ص ۱-۶.
- میرزاحمدی، محمدحسین و علی صحبت‌لو، ۱۳۸۶، «اهداف دانشگاه اسلامی»، *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، ش ۳۳، ص ۱۹۴.
- نبی‌زاده بابکی، محمد و همکاران، ۱۳۹۵، *اثرات فضای مجازی بر تربیت دینی و سبک زندگی اسلامی*، تهران، دومین همایش ملی تمدن نوین اسلامی.
- نظری، مصطفی و امیر فتاحی، ۱۳۹۵، *معیارهای دانشگاه تمدن‌ساز از منظر آموزه‌های اسلامی*، تهران، دومین همایش ملی تمدن نوین اسلامی.
- نیازی، محسن و محمد کارکنان نصرآبادی، ۱۳۹۰، *مقدمه‌ای بر دانشگاه تمدن‌ساز*، تهران، سخنوران.
- وحیدی‌منش، حمزه‌علی، ۱۳۷۶، «عناصر تمدن ساز دین اسلام»، *معرفت*، ش ۱۲۳، ص ۱۵-۳۴.
- یمینی‌دوزی سرخابی، محمد و جعفر ترک‌زاده، ۱۳۸۸، «بررسی وضعیت برنامه ریزی توسعه دانشگاه‌های دولتی در ایران»، *آموزش عالی ایران، انجمن آموزش عالی ایران*، ش ۱، ص ۱۹۱.
- Chatterton, Paul, 2000, "The Cultural role of Universities in the Community: Revisiting the University- Community debate", *Environment and planning*, v. 32, p. 165-181.
- Jongbloed, B. Enders, J. Salerno, C., 2008, "Higher Education and its Communities: Interconnections", *Interdependencies and a Research agenda. Higher Education*, N. 56 (3), p. 303\_324.
- Kazoleas, D. Y. Kim & M. Anne, 2001, "Institutional Image: a Case Study Corporate Communications", V. 6, p. 205\_216.
- López, A. Ochando, H.M.P. and Cabezas, M.F., 2015, "Research Comparing University Teaching within the EHEA between the University CEU Cardenal Herrera in Spain and the University of Bedfordshire in England", *Open Journal of Social Sciences*, N. 3, p. 250-261.
- Litan, R. E., Mitchell, L., Reedy, E. J., 2008, "Commercializing university innovations: alternative approaches", *In Innovation Policy and the Economy*, V. 8, p. 31\_57.
- Baum, Byron, R., 2010, *How the Universities work, its Leadership and Scientific Organization in view of cybernetic*, tr. Hamid- Reza Arasteh, Second edition, publication of Institute for Higher Education Planning and Research.